

ترقی کرده و بالا می‌رود (تورم) جامعه دچار بیماری "رکود" و کم شدن فعالیت‌های اقتصادی، تعطیل کارخانه‌ها و ... میشود. پس از رکود، دوباره تورم سراغ جامعه می‌آید و ... (*) در دوره‌های رکود، نظام سرمایه‌داری دچار "تورم کالا" و یا "اضافه تولید" میشود. بدین معنا که در چنین دوران‌هایی در جامعه سرمایه‌داری، تولید بیشتر از مصرف میشود و مردم بدلیل کمبود درآمد (پائین بودن قدرت خرید) و متقابلاً بالا بودن قیمت کالاها، نمیتوانند همه کالاها را بخرند و تولید میشود، مصرف کنند و در نتیجه عرضه کالاها در جامعه بیشتر از تقاضا میشود. در چنین حالتی، سرمایه‌داران مجبورند برای متعادل کردن عرضه و تقاضا و حفظ قیمت کالاها و ... از تولید کارخانه‌ها کم کنند و حتی بعضی از کارخانه‌ها را تعطیل نمایند و ...

"سود ویژه" توطئه‌ای برای تحمیل فشار بر کارگران:

کم شدن تولید و فروش کالاها در دوران "رکود" برابر است با کم شدن سود سرمایه‌داران. ولی سرمایه‌داران که بهیچوجه حاضر نیستند سودشان کم شود برای حفظ منافعشان به هر توطئه و جنایتی دست می‌زنند. آنها قسمتی از تولیدات جامعه را - برای بالا بردن بیشتر قیمت‌ها - از بین می‌برند (مواد خوراکی را به دریامیریزند و درحالی‌که مردم گرسنداند، لباس‌ها را آتش

• - بحران‌ها و بیماری‌های ناشی و علاج ناپذیر نظام سرمایه‌داری را مدار سلسله مقالات در رساله‌ای از اقتصاد سیاسی "مغضلاً" توضیح خواهیم داد.

میزنند در حالیکه مردم برهنه‌اند، کارهای مصرفی را از بین می‌برند در حالیکه مردم به آن احتیاج دارند و ۰۰۰ کارخانه‌ها را تعطیل و کارگران را بیکار می‌کنند و ۰۰۰ سرمایه‌داران همچنین برای حفظ سودشان از مزد کارگران می‌زدند، اما در دیدن از دستمزدهای رسمی کارگران به هیچ وجه توجهی نمی‌کنند. در چنین موقعی سرمایه‌داران که جرئت می‌کنند از مزد رسمی کارگران بزدند - توسط از پیش تدارک دیده شده به اصطلاح "سود ویژه" را علیه کارگران بکار می‌گیرند. او اعلام می‌کند که چون تولید فروش و در نتیجه سود کارخانه کم شده بنابراین به اصطلاح سهم کارگران از سود کارخانه یعنی "سود ویژه" هم باید کم شود و یا آنرا سود ویژه‌ای به کارگران تعلق نمی‌گیرد و ۰۰۰ این ترتیب سرمایه‌داران بزدیدن قسمتی از مزد کارگران، تمام فشار بحران نظام سرمایه‌داری را بر آنها وارد کرده و منافع خود را حفظ می‌کنند.

بهرتر است نگاهی به همین جریان اعتصاب کارگران کارخانه سیتروئن بیندازیم. "معنی" مزدور و خود فروخته می‌گوید: "برای جبران ضرر کارفرما فقط یکماه سود ویژه به شما می‌دهیم." معنای این مگر غیر از این است که "برای جبران ضرر کارفرما یکماه مزد رسمی به شما می‌دهیم." آیا اگر اعتصاب

همانطور که در بررسی اعتصاب کارگران کارخانه سیتروئن گفتیم، سود و زیادهای کارگران در سال قبل گرفته بودند برابر و ماه مزد رسمی آنها بود که با این ترتیب کاری مافوق دست داشتند از آنرا بزدند.

برای اضافه کردن دستمزد رسمی و روزانه بود، وزیر جیره خوار
 می‌توانست بگوید: "برای جبران ضرر کارفرمایکماه مزد رسمی
 بد شما نید هم،" "مسلمانان، چون این دزدی آنقدر آشکار
 است که هیچ کارگری هر قدر هم ناآگاه و هر قدر هم ترسو و محافظه
 کار باشد، اجازه آنرا به کارفرمان خواهد داد." ۱۰۰ :

علاوه بر این جنبه که هدف اصلی سرمایه‌دار را از تدارک
 توطئه "سود ویژه" تشکیل میدهد، سرمایه‌دار از تقسیم
 مزد واقعی کارگران به دو قسمت مزد رسمی و "سود ویژه" در
 موارد دیگری چون پرداخت مزد اضافه کاری، پرداخت حق
 اخراج کارگر،^{۱۰۰} نیز سود میبرد چون مزد اضافه کاری و حق
 اخراج^{۱۰۰} تماماً بر اساس مزد رسمی و روزانه محاسب میشود
 نه بر اساس مزد واقعی که مجموع مزد رسمی و "سود ویژه" است.
 بنابراین سرمایه‌داران برای دزدیدن تقسیمی دیگر از نیروی کار
 کارگران، توطئه "سود ویژه" را تدارک میبینند تا غارت و
 چپاولشان را در پشت قانون - البته همان قانون دولت ضد
 کارگری شاه - پنهان کنند.

برای افشای بیشتر ماهیت ضد کارگری این توطئه لازم
 است بعضی از به اصطلاح قوانین مربوط به "سود ویژه" را
 با همین نتیجه گیری تحلیل کنیم.

ماده ۵ با اصطلاح قانون "سهیم شده کارگران در منافع
 کارگاهها" میگوید: "میزان سهم کارگران از منافع

(*) - اگر چه کارفرما جرئت نکرد حتی همین دزدی سه
 اصطلاح قانونی را هم انجام دهد.

خالص کارگاه بموجب تشخیص وزارت کار و خدمات اجتماعی و تأیید کمیسیون مذکور در ماده ۱۰ تعیین خواهد گردید و سهم کارگران از بیست درصد منافع خالص تجاوز نخواهد کرد.

اولاً: سهم کارگران را از سود کارخانه وزارت کار تشخیص میدهد و کمیسیون باید این تشخیص را تأیید کند (که مبادا منافع کارفرما کم شود). این کمیسیون از چه کسانی تشکیل شده است؟ بنابه ماده ۱۰ ریاست این کمیسیون با وزیر کار است (و یاقائم مقامش) و اعضایش را نمایندگان از وزارتخانه‌های صنایع و معادن، دارائی و دادگستری و همچنین یک نفر مطلع در امور اقتصادی تشکیل میدهند که این آخری راهم خود وزیر کار است. تعیین میکنند با این حساب معلوم است "سود ویژه‌ای" را که وزارت کار (حامی سرمایه‌دار) تعیین کند و وزیر کار (مزدور سرمایه‌دار) و دارودسته‌اش تأیید کنند چه از آب درمیآید و معلوم نیست اگر مبارزه کارگران نباشد و سرمایه‌داران از خشم کارگران و قدرت همبستگی و اتحاد آنها ترسند چه مقدار "سود ویژه" به کارگران تعلق خواهد گرفت؟

ثانیاً: همانطور که میبینیم مقدار "سود ویژه" از ضرر در صد تا بیست درصد متغیر است. با این حقه بازی، دولت سرمایه‌داری شاه جنایتکار، راه دزدی را از طرف دیگری هم برای سرمایه‌دار باز گذاشته است. یعنی سرمایه‌دار علاوه بر اینکه میتواند از مزد کارگران به بهانه کم شدن سود و ... بدزدد همچنین آزاد است که با حمایت کامل دولت ضد کارگری شاه، درصد با اصطلاح "سود ویژه" ای را که بکارگران میدهد

تغییر داده و از این طریق نیز از دستمزدهای کارگران و از نیروی کارشان بدزدند. بطور مثال کارخانه «فرقره» زیبادرمقاب — ۲۷۱ میلیون ریال فروش در سال ۵۲، ۴۸۰ میلیون ریال سود ویژه به کارگران داده است ولی همین کارخانه در سال ۵۳، در قبال ۵۱۰ میلیون ریال فروش فقط ۳۴ میلیون ریال سود ویژه به کارگران داده است. (*) یعنی در حالی که فروش دو برابر شده و مسلماً سود نیز حداقل بقدر قابل ملاحظه‌ای اضافه شده است، با اصطلاح سهم کارگران از سود کارخانه به $\frac{1}{4}$ کاهش پیدا کرده است و این مسلماً در پناه همین اصطلاح قانون صفر درصد تا بیست درصد و مسلماً با تأیید جناب وزیر! — مزدور و سایر جیره‌خواران سرمایه‌داران بوده است.

اما یک توطئه دیگر: امسال در بعضی از کارخانه‌ها «سود ویژه» ای که به کارگران پرداخت شده به نسبت عکس دستمزدهای رسمی آنها بوده است. مثلاً در کارخانه پارس متال در سال جاری به کارگرانی که مزد رسمیشان ماهانه کمتر از ۸۰۰ تومان است ۴۰۰ روز و به کارگرانی که مزد رسمیشان ماهانه بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان است ۱۳۰ روز و به کارگرانی که مزد رسمیشان ماهانه بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان است ۱۲۰ روز و به کارگرانی که دستمزدهای رسمیشان بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان است ۱۱۰ روز و به کارگرانی که دستمزدهای رسمی شان بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان است ۱۰۵ روز سود ویژه داده‌اند. برای تحلیل این توطئه، لازم است به بالا رفتن سرسام آور

(*) — نقل از روزنامه «کیهان»، چهارشنبه ۲۹ بهمن

قیمت‌ها در جامعه‌ی خودمان توجه کنیم. دولت ضد کارگری شاه برای حل این مشکل دست به توطئه‌های مختلفی زده است. او وانمود می‌کند که گویا مشکل (یعنی تورم و بالا رفتن قیمت‌ها) ناشی از باصطلاح طمع و حرص و آز زحمتکشان میهن ماست که به حق خودشان قانع نبوده و گرانفروشی میکنند! دولت شاه با این عوام‌فریبی، هایپوی بنام "مبارزه با گرانفروشی" براه انداخته و با جریمه و زندانی کردن فروشندگان جزه، باصطلاح می‌خواهد جلوی تورم و بالا رفتن قیمت‌ها را بگیرد. ولی دولت ضد خلق که خودش بهتر از هر کسی به علت‌های بالا رفتن قیمت‌ها در جامعه‌ی ما آگاه است و میدانده که با این هایپوها نمی‌شود این مسأله را حل کرد؛ مجبور است توطئه‌های اساسی دیگری را (البته باز هم به ضرر زحمتکشان میهن ما) مورد توجه قرار دهد. (۱) یکی از این توطئه‌ها کاستن از قدرت خرید مردم است. دولت شاه علاوه بر اینکه از راه‌های مختلف مقداری از قدرت خرید زحمتکشان را کم می‌کند، (۲)

- (۱) - مائورم "در جامعه‌ی خودمان و همچنین هایپوی باصطلاح "مبارزه با گرانفروشی" را در مقاله‌ی دیگری مفصلاً توضیح داده‌ام و دولت شاه خائن را افشاء خواهیم کرد.
- (۲) - بطور مثال مالیاتی که در سال ۵۴ از مردم دریافت شد بیست و یک میلیارد و هشتصد و هشتاد و چهار میلیون و صد و پنجاه و دوازده تومان (۱۵۲/۰۰۰/۸۸۴/۲۱) بود در حالیکه این مقدار در سال ۵۵ به سی و یک میلیارد و بیست و نود و یک میلیون و پانصد و هفتاد و نه هزار تومان

همچنین سعی مینماید که حد الامکان مزد کمتری به زحمتکشان بدهد. این توطئه را ما در همین طبقه بندی کردن "سود ویژه" بخوبی میبینیم. دولت شاه حساب میکند کارگران فنی و ۰۰۰ که دستمزد بیشتری میگیرند یا گرفتن مقدار کمتری "سود ویژه" هم زندگیشان تأمین میشود درحالیکه کارگران ساده و تازه کار احتیاج به "سود ویژه" بیشتری دارند تا حد اقل احتیاجاتشان برای گذراندن یک زندگی بخور و نمیر تأمین شود. درحالیکه در سیستم قبلی همی کارگران در صد مسالوی ازمزد رسمی و روزانه شان، "سود ویژه" میگرفتند. یعنی چسبه کارگر ساده و چه کارگرفنی هرد و باند ازهی چند ماه مزد رسمی و روزانه شان سود ویژه دریافت میکردند. بنا بر این دولت شاه ضد کارگر برای اینکه از قدرت خرید کارگران کم کند و به کارگران فنی مزد حقیقی کمتری بپردازد، توطئه "طبقه بندی کردن سود ویژه" را با جرات آورده است. دولت شاه با این کار علاوه بر اینکه برای توری که گریبانش را گرفته، چاره ای میاندرشد، منافع سرمایه داران را نیز تأمین میکند و سرمایه داران را کمک میکند و مقدار بیشتری از نیروی کار کارگران را بدزدند.

(۰۰۰ / ۵۷۹ / ۲۹۱ / ۳۱ - یعنی به حد و بک سرابسر

و نیم سال قبل - افزایش یافته است.

اقتصاد سیاسی

"شناخت کلی نظام سرمایه‌داری"

نظام سرمایه‌داری چیست؟

در این مورد "لنین" پیشوای زحمتکشان جهان و رهبر انقلاب روسیه، تعریف ساده و در عین حال کاملی کرده است. او می‌نویسد: "سرمایه‌داری نام سیستم اجتماعی است که در آن، زمین، کارخانه، ابزار تولید و غیره متعلق به تعداد اندکی از زمینداران و سرمایه‌داران است. در حالی که اکثریت مردم مالک هیچ چیز نیستند. یا دارای ناچیزی دارند و مجبورند خود را بعنوان کارگر مزدور (مزدبگیر) در اختیار سرمایه‌دار قرار دهند."

تعریف بالا نشان می‌دهد که در نظام سرمایه‌داری کارگر مجبور است برای تأمین زندگی‌اش نیرو و توانایی خود را برای انجام کاری معین به سرمایه‌داری بفروشد. تنها آزادی‌ای که او نسبت به دوران بردگی در این مورد دارد، این است که او می‌تواند "نیروی کارش" را آزادانه، به هر سرمایه‌داری که خریدار آن است بفروشد (هر چند که این آزادی نیز همیشه وجود ندارد). این آزادی که رژیم‌های سرمایه‌داری آنقدر برای آن

تبلیغ میکنند، در واقع تفاوتی با جبر زور در دوران فئودالیسم و یا حتی برد داری ندارد، اگر برد همارسما^۱ و بطور علنی مجبور بودند برای صاحبان خود کار کنند، کارگران در نظام سرمایه داری در زیر پوشش شعارهای تبلیغاتی و اغواکننده دولت های سرمایه داری، در باره آزادی کارگر، تساوی حقوق افراد و ۰۰۰ به شدیدترین وضعی بوسیله سرمایه داران استثمار میشوند. اگر این زنجیرها وقید و بند های فولادی نبود که به دست ویای برد همارسته میشد تا آنها را به بیگاری وادار نماید، امروز نیز در نظام سرمایه داری، این زنجیر گرسنگی، احتیاج و نیاز است که کارگران را وادار به فروش "نیروی کار" خود میکنند. زنجیری نامرئی که بمراتب سهمگین تر و زجرآور تر از زنجیر فولادی است. نظام سرمایه داری همه وسائل تولید و زندگی را در اختیار مثنی سرمایه دار و دولت نمایند. آنها قرار میدهند و نتیجتاً توده مردم را عملاً مجبور میکنند که خودشان را و نیروی کار و اندیشه شان را برای زنده ماندن به سرمایه داران بفروشند. ولی همین عمل "فروش اجباری نیروی کار" کارگر و پرداخت "مزد" از طرف سرمایه دار و وسیله ای میشود که استثمار در نظام سرمایه داری (نسبت به نظام های فئودالیسم و برد داری) پوشیده بماند. (*).

هدفی که سرمایه دار از خرید "نیروی کار" (به اصطلاح استخدام کارگر) دارد، با هدفی که کارگزار فروش "نیروی کار" (به اصطلاح استخدام شدن در یک کارخانه و ۰۰۰) دنبال

(*) - در این مورد بعداً "مفصلاً" صحبت خواهیم کرد.

میکنند با هم متفاوتند . "مارکس" در این مورد میگوید : "در بازار باد و گروه رو برو هستیم ؛ یکی گروه خریداران ، صاحبان زمین ، ماشین ها ، مواد خام و وسائل معاش یعنی اشیائی که به استثنای زمین های دست نخورده و بکره هگی محصول کارند و دیگر فروشندگان که چیزی جز بازرگان ، فعلاً خود ندارند . یک گروه پیوسته میخرد تا سود بچنگ آورد و ثروتمند شود و حال آنکه گروه دیگر پیوسته میفروشد تا معاش خویش را تأمین کند"

صاحبان کارخانه ، زمیندارها ، بانکدارها و صاحبان مؤسسات تجاری ، طبقه سرمایه دار را تشکیل میدهند و کسانی که سرمایه ای در بساط ندارند و تنها با فروش نیروی کارشان زندگی میکنند طبقه کارگر را تشکیل میدهند .

در ایران کسانی چون ثابت باسال ، لاجوردی ، خیامی ، القانیان و افرادی از این قبیل و بالاتر از همه در بار پهلوی و در رأس همه آنها شاه که معروف به "هزارفامیل" هستند ، طبقه سرمایه داران را تشکیل میدهند . در مقابل اکثریت عظیمی از مردم که با فروش "نیروی کار" خود به اینگونه سرمایه داران زندگی میکنند "طبقه کارگر" را تشکیل میدهند .

بین سرمایه داران و کارگران ، اختلاف طبقاتی عظیمی وجود دارد که تنها با نابودی نظام سرمایه داری و برقراری نظام سوسیالیستی از بین خواهد رفت . تنهاد نظام سوسیالیستی است که هرگونه اختلاف طبقاتی و استثمار یک طبقه از طبقه دیگر از بین میرود و دیگر هیچکس نمیتواند سرمایه دار باشد و دیگران را استثمار کند . بلکه همه کار میکنند و هرکس بسته اندازه کارش مزد میگیرد .

در يك نظام سرمايه داری، سرمايه داران با چپاول، غارت و استثمار نیروی کار کارگران، روز بروز ثروتمند تر شده و باز هم صاحب سرمايه، کارخانجات، زمین، بانک و مزارع بیشتر میگردند. در صورتیکه وضع کارگران، همیشه بارنج و زخم دست روز افزونی توأم است. مثلاً "کسی مثل خیامی در عرض چند سال از راه غارت نیروی کار کارگران و به همدستی دربار و شرکت مستقیم خود شاه، يك کارگاه کوچک خود را تبدیل به کارخانه هائسی عظیم مثل "ایران ناسیونال" و غیره کرده است که در آن بیش از ده هزار کارگر را مستقیماً استثمار میکند یا لاجوردی که بسک کارگاه کوچک صابون پزی خود (واقع در جاده ری) را با سودی که از راه استثمار کارگران بدست آورد، هم اکنون تبدیل به حدود ۳۰ کارخانه تولیدی و موسسه تجاری کرده که در آنها از بیش از ده هزار کارگر بهره کشی میکنند.

در صورتیکه کارگرانی که در همان ابتدای کار خیامی یا لاجوردی کارگر بودند، امروز باز هم همان کارگر هستند. منتهی بیتر و فرسودتر شده اند. وضع زندگی شان هم سخت تر شده است و هر وقت هم خیامی یا لاجوردی اراده کنند آنان را از کارخانه اخراج میکنند.

اما ببینیم این نظام سرمايه داری کی و چگونه بوجود آمد ؟

سرمايه داران و متفکرین وابسته به آنها، نظیر همیسن آقایان پروفیسورها، مفسرین، سخنرانان و... که تمام فکسر و ذکرشان دفاع از منافع سرمايه داران است و در مقابل از آخسور سرمايه داری میخورند! (و چیسسه خوب هم میخورند) و همینطور بعضی

از روحانیون مرتجع (*) ، در مورد چگونگی بوجود آمدن نظام سرمایه داری میگویند ، تا دنیا ، دنیا بود ، یک عده سرمایه دار و ثروتمند و یک عده فقیر و بی چیز بودند . آنها سعی میکنند ، این حرفهای فریبکارانه ، خود را در بین زحمتکشان رواج دادند و به آنها نیز بقبولانند . بعضی از زحمتکشان نیز نا آگاهانسه حرفهای این دشمنان طبقاتی خود را تکرار میکنند و مثلاً " میگویند : " ای بابا ، این خواست خداست که ما را فقیر کرد و سرمایه دارها را ثروتمند ! " و یا میگویند : " تا دنیا بود ، ظلم هم بوده " و یا " سرمایه داران با هوش و زرنگی و کارگران سست و تنبل ! " و یا " خدا اینج انگشت را به یک اندازه خلق کرده " و " . . . " اما همه این حرفها ، نادرست و فریبکارانه است . زیرا با این حرفها سرمایه داران و متفکرین و روحانیون وابسته به آنها سعی میکنند که استثمار و غارت و چپاول موجود در جامعه سرمایه داری را با پست فطرتی تعام به نفع اربابان خود توجیه

(*) — روشنفکران و متفکرین خود فروخته ای مثل نیکخواه ، لاشائی و . . . نویسندگان مزدور و مواجب بگیری مثل رسول پرویسری و . . . مفسرین خود فروخته ای مثل مهدی قاسمی ، جعفریان ، فرهنگ فرهی ، امیرطاهری و . . . که از رادیو و بار ، اصالت نظام شاهنشاهی ، پیشرفت های ایران را پس از انقلاب سفید او . . . را تبلیغ میکنند و همچنین روحانیون مرتجع و نویسندگان و — اصطلاح متفکرین مذهبی مرتجع که این روزها با زاء مزد و مواجبی که از دولت سرمایه داری میگیرند در روزنامه های جیره خوار دولت شاه مقالاتی بنفع سرمایه دارها و علیه زحمتکشان مینویسند از این دست اند .

کنند . این دشمنان زحمتکشان با این حرفهای خود سعی میکنند که اختلاف طبقاتی ، یعنی اختلاف بین طبقه سرمایه دار (این صاحبان سرمایه و زمین و کارخانه و ... که در کاخهای خود مشغول عیش و نوشند) و طبقه کارگر (که برای سیرکردن شکم خود وزن و بچه خود شب و روز عرق میریزند) را امری عسادی ازل و نتیجتاً ابدی ! جلوه دهند . آنان سعی میکنند توزیع غیر عادلانه ثروت را و چپاول نیروی کار کارگران را بعناوین مختلف از قبیل تقدیر و سرنوشت و ... توجیه کنند و چنین وانمود کنند که سرمایه داری نظامی است که از اول دنیا بود و تا آخر دنیا نیز باقی خواهد ماند ! اما این قبیل حرفها چیزی جز دروغ و فریبکاری از طرف سرمایه داران و متفکرین و تئوریسین های وابسته بدانها برای تحمیل زحمتکشان نیست . پس حقیقت چیست ؟ حقیقت اینست که همانطور که هر چیزی علتی دارد ، بوجود آمدن نظام سرمایه داری هم علتی دارد که این علت هم بوسیله علم و هم بوسیله متفکرین خادم طبقه کارگر روشن شده است . (*) مادراینجا مختصراً " علت بوجود آمدن نظام سرمایه -

(*) - همانطور که بوجود آمدن نظام سرمایه داری ناشی از یک ضرورت تاریخی و بدنبال یک سلسله علل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بود ، است ، نابودی حتمی آن نیز یک ضرورت تاریخی استواز علل اجتماعی - اقتصادی - سیاسی مشخصی پیروی میکند . بنا براین میتوان با شناخت این ضرورت و فعالیت در جهت تشدید این علل ، این نظام را نابود کرد . همانطور که عملاً هم میبینیم که در بسیاری از نقاط جهان کارگران و زحمتکشان ، نظام سرمایه داری را نابود کرده و نظام سوسیالیستی را بجای آن نشانده اند . آنگوی و وینستون ←

داری را توضیح میدهم .

برای بوجود آمدن روابط و نظام سرمایه داری دو شرط اساسی لازم است :

شرط اول اینکه عد های باشند که هیچگونه سرمایه و وسیله تولید و ابزار معاش ندارند داشته باشند و در نتیجه مجبور شوند "نیروی کار" خود را بفروشند .

شرط دوم اینکه مقادیری پول و وسائل در دست عد های جمع شود .

وقتی این دو شرط موجود باشند ، دسته اول که هیچ وسیله تولید و ابزار معاش ندارند ، مجبور میشوند "نیروی کار" خود را به دسته دوم بفروشند و در مؤسساتی که آنها ایجاد میکنند مشغول کار شوند .

حال بینیم این دو شرط اساسی در کدام دوره از تاریخ فراهم شد . تا بدین ترتیب روشن شود که روابط سرمایه داری کی و چگونه بوجود آمده است .

در دوره ارباب و رعیتی نیروهای مولد (ابزار تولید و نیروی کار بشری) به سطح بالاتری از نیروهای مولد در نظام بردگی ارتقاء یافتند . تکمیل تولید در کشاورزی بهبود یافت ، استفاده از ابزار آهنی در تولید کشاورزی رواج بیشتری پیدا کرد ، ابزار کار صنعتگران نیز بهتر شد ، روشهای تهیه مواد خام نوترگشت ، حرفه های جدیدی در صنعتگری پیدا آمد ، شیوه ذوب فلزات تکامل یافت و . . .

نمونه های بارزی از آخرین پیروزیهای سوسیالیسم ، پیروزی زحمتکشان و کارگران بر نظام سرمایه داری است .

در رابطه با چنین رشدی در بازار تولید و ۰۰۰، تولید کالائی ساده که بر اساس مالکیت خصوصی و کار شخصی صورت می‌گرفت و هدف از آن مبادله بود، توسعه یافت. توسعه این رشد باعث رقابت بین تولید کنندگان مختلف میشد و در این رقابت عدای از تولید کنندگان ورشکست و تهیدست میشدند و عدای دیگر رشد بیشتری کرد و کارشان توسعه پیدا میکرد و باین ترتیب عدای ورشکست شده (یعنی کسانی که دیگر صاحب هیچ چیز جز نیروی کارشان نبودند) در کارگاههای پیشه‌وران رشد یافته، مشغول کار میشدند.

از طرف دیگر تجار که قبلاً نقش آنها در تولید صرفاً مبادله بود، با دادن مواد خام به پیشه‌وران و دهقانان و پیش خرید کالاهایشان آنها را به خود وابسته کردند. تجار در قدم بعدی پیشه‌وران کوچک را در زیر یک سقف گرد آوردند و آنها را وارد به کار مزدوری نمودند. بدین ترتیب سرمایه تجاری به سرمایه‌ی صنعتی تبدیل شد.

در کار این جریان رشد روابط پولی در روستاها و دهقانان را به دوقشردهقانان مرفه و دهقانان تهیدست تجزیه می‌کرد.

بدین ترتیب روابط سرمایه‌داری در دل نظام فئودالی بوجود آمد و رشد یافت.

حاکمیت دولت‌های سرمایه‌داری:

روابط سرمایه‌داری بخصوص در اواخر دوره فئودالی بسیار نظام فئودالی به تضاد شدیدی رسید. دولت‌های فئودالی محدودیت‌های زیادی برای رشد صنایع کوچک ایجاد

میکردند . پیشه‌وران در شهرها مجبور بودند مالیات‌های سنگینی به دولت فتودالی بپردازند . در حالیکه رشد و توسعه صنایع آنها بوجود کارگروا بسته بود ، وابسته بودن هزاران دهقان به تولید فتودالی در روستاها مانع استفاده از نیروی کار آنها میگردد . علاوه بر اینها ، راهبانا امن و در خطر بود و امنیت برای سرمایه‌ی آنها و کالا هایشان وجود نداشت و خلاصه دولت‌های فتودالی نمیتوانستند اصلی‌ترین شرائط رشد سرمایه‌داری را که عبارتست از "نیروی کار" و "جمع شدن سرمایه" فراهم بیاورند . از طرف دیگر روستاها ، دهقانان که سالها زیرستم فتودالی زندگی کرده بودند ، در اواخر نظام فتودالی به مبارزه‌ی خود علیه فتودالیها شدت بخشیدند .

بدین ترتیب ، دهقانان ، کارگران ، پیشه‌وران شهری و بورژوازی نوپا به مبارزه عظیم و مشترکی علیه فتودالیها و اربابها برخاستند . رهبری این مبارزات بدلائل تاریخی ، عملاً به دست بورژوازی افتاد .

در فرانسه انقلاب زحمتکشان و بورژوازی در سالهای ۱۷۹۴ - ۱۷۸۹ موفق شد حاکمیت اربابها را از بین ببرد ولی بعللی تاریخی (x) زحمتکشان نتوانستند دلتی را که حافظ منافع آنها باشد بر روی کار آورند ، بلکه این بورژوازی بود که با تشکیل دولت حاکمیت یافت . توضیح این نکته لازم است که بعد ها سرمایه‌دارها در کشورها اروپائی دیگر نمیتوانستند از طریق چنین اتحادی با زحمتکشان علیه فتودالیسم مبارزه کرده و پیروز شوند . چرا که دیگر پرولتاریا

(*) - بعد از مورد این علل توضیح خواهیم داد .

(کارگران) در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری اروپا متشکل شده و می‌توانست خود قدرت را به دست بگیرد. از این نظر سرمایه‌دارهای تازه به دوران رسیده روسیه با آری‌با‌های سابق و دولت فئودالی متحد شدند و مدت‌ها در سرکوب زحمتکشان شهر و ده با همدیگر مشارکت کردند. ولی سرانجام، هر دو به دست قدرت‌مند زحمتکشان و به رهبری کارگران نابود شدند. چرا که اکنون دیگر شرایط تاریخی مساعد بود. بیشتر از یک قرن از انقلاب بورژوازی گذشته بود و کارگران در این مدت توانسته بودند، مشکل و آگاهی مناسبی پیدا کرده و آیدئولوژی خود را مدون نمایند. بدینجهت تحولات انقلاب روسیه به دست کارگرانی که در حزب بلشویک به رهبری "لنین" متشکل شده بودند، صورت گرفت. اما نتیجه‌ی این تحول دیگر یک نظام سرمایه‌داری نبود بلکه رژیم بود سوسیالیستی به رهبری کارگران و حزب پیشاهنگشان حزب لنینی بلشویک.



ریشه‌های فساد

در کجاست؟

در اوائل بهمن ماه سال جاری، دولت ضد خلقی شاه خائن هایپوس و جنجال تازه‌ای را تحت عنوان "مبارزه با فساد" آغاز کرد. این جریان جدید نیز مانند هر واقعه یا جریان دیگری در این مملکت اولین بار از طرف شاه عنوان شد و بلافاصله دولت و مطبوعات شروع به تبلیغات پرسروصدائی در این زمینه کردند. هویدا، این قاچاقچی معروف و دزد سابقه‌دار بین‌المللی - که پرونده‌های قاچاق مواد مخدر را وهنوز هم در دادگستری فرانسه موجود است - اعلام کرد: "مفسدین به‌جزای اعمال خود خواهند رسید". وزیران و دیگر مقامات دولتی مأمور مبارزه با فساد شدند و ۰۰۰ روزنامه‌ها با تیترهای درشت نوشتند که شاه فرمان داد است در برابر فساد ایستادگی کنید. نوشتند: دزدها را معرفی کنید. فقط آنها که به خانه مردم دستبرد میزنند، دزد نیستند. دزدهای خطرناکتری وجود دارند که روز روشن کار می‌کنند. "

اما برامتی دزد ها چه کسانی هستند؟

ما هم بخوبی میدانیم دزد واقعی و اصلی کسی نیست که از فرط

بیچارگی و درماندگی ، چند تومانی پول از جیب این و آن بلند میکنند و یا فلان وسیله و اثاثیه خانها را به سرقت میبرد ؛ بلکه دزد واقعی و دزدان اصلی کسانی هستند که هزاران هزار مردم زحمتکش ما را به زیر یوغ بردگی و بندگی خود کشیده‌اند ، نیروی کار آنها را در مقابل مزد ناچیزی غارت میکنند ، منابع و ثروت‌های زیرزمینی کشور ما را در معرض حراج برای بیگانگان میگذارند و تازه میلیارد ها تومان در آمد ناشی از این حراج را با پیشرمی تمام به جیب خود میریزند .

بنابراین باید پرسید :

آیا کارگری که ده ، دوازده و گاه چهارده ساعت در روز کار میکند و در بدترین شرایط توسط کارفرما استثمار میشود و نیروی جوانی خود را در مقابل مزد بخور و نمیری به سرمایه‌دار میفروشد ، دزد و فاسد است ؟

آیاد هقان رنج دیده‌ی ماکه در سرمای زمستان و گرمای تن سوز تابستان عرق میریزد و کار میکند ، زمین را میکاود و میکارد و تنها با قسمت کوچکی از ثمره‌ی کار خود زندگی سخت و جانفرسائی را ادامه میدهد ، فاسد و دزد است ؟

آیا بقیه‌ی مردم شریف و زحمتکش ما - معلمین ، کارمندان جزء ، پیشه‌وران و ... - که از ثمره کار و زحمت خود زندگی میکنند ، دزد و فاسدند ؟

اگر اینها دزد و فاسد نیستند ، اگر توده‌ی خلق ما - کارگران زحمتکش ما ، دهقانان رنج دیده‌ی ما ، زحمتکشان شهر و روستای ما - دزد و فاسد نیستند ، پس چه کسی دزد است ؟ چه کسانی ثروت‌های میهن ما را غارت میکنند ؟ چه کسانی توده‌ی مردم ما را

استثمار میکنند؟ چه کسانی حسابهای دولت و بیست میلیون یانصد میلیون تومانی در بانکها دارند؟ چه کسانی قصرهای باشکوه و زندگی بی زحمت و پرنواز و نعمت دارند؟

آری، خلق ما بخوبی میدانند و زد ها چه کسانی هستند .
 احتیاج به معرفی ندارد . سالهاست که طبقه‌ی حاکمه‌ی مزدور ایران و در رأس آن دربار جنایتکار پهلوی و باز در رأس همسای آنها شاه خائن و دولت دست نشانده‌ی آمریکائیه‌ها، به سرکوب و استثمار خلق ما، به غارت نیروی کار خود، بی مردم ما و چپساول منابع عظیم ثروت‌های ملی ما (نفت، مس و ...) مشغول است .
 دزد ها همین ها هستند . فاسد ها همین ها هستند . شاه، دربار کثیف پهلوی و هزار فامیل وابسته، اشرف ها، اقبال ها، علم ها، شریف امامی ها و سرمایه داران مزدوری مثل ثابت — پاسال ها، خیامی ها و ... هستند که باند بزرگترین دزدان و فاسدان تاریخ کشور ما را تشکیل میدهند . در واقع شاه و دربار و دسته‌ی مزدور و دربار، در دولت و سازمانهای اداری و پلیسی و ارتش بدست بزرگترین گانگسترهای نقابدار از پشت بسته‌اند . حسابهای بانکی آنها در بانکهای سویس سربسته فلک کشید مانند . دزدیهای آنها رقمهای سرسام آور ۲۰۰ ، ۳۰۰ و هزار میلیون تومان را تشکیل میدهد !

اما باید پرسید در چنین صورتی چگونه شاه فرمان مبارزه با فساد را میدهد؟ چگونه روزنامه‌ی جیره‌خوار کیهان مینویسد دزد ها را به ما معرفی کنید؟!

جواب این سؤال مشکل نیست . کافی است به همین روزنامه‌های هزار بار سانسور شده‌ی رژیم شاه نگاه کنید تا از

تا علت این جا روجنجال قلابی شاه ود ولت مزد وراو — برای مبارزه با فساد — روشن شود .

د رواقع بد نیال افشاگریهای وسیع مطبوعات آزاد غربی و محافل لیبرال ککری آمریکاد در باره دزدی ورشوہ گیری مقامات دولتی چند کشور خاورمیانه — از جمله شاه و مقامات ایرانی — بود که دستگاه حاکمه ایران شدیداً به تکاپو افتاد . اسناد و مدارک قطعی موجود و منتشره از طرف همین محافل و مطبوعات بخوبی ثابت میکنند که در جریان خرید ۵۰ میلیارد تومان اسلحه از کمپانیهای لاکهید و ۰۰۰ ، از طرف ایران و خرید میلیارد ها تومان مواد غذایی از کارتل های بزرگ غربی ، میلیونها تومان سوء استفاده صورت گرفته است . مطابق همین اسناد و مدارک در رأس کسانی که این رشوه بد آنها پرداخت شد ، شاه و نمایندگان او قرار داشته اند . اما مطبوعات ایران که بشدت کنترل میشوند بهیچوجه طوفانی را که انتشار این اخبار در اروپا و آمریکا پراهننداخت در اینجامنعکس نکردند و بجای آن شاه سزور و دستگاههای تبلیغاتی اش جاروجنجال مصنوعی مبارزه با فساد و معرفی دزدان و ۰۰۰ را براه انداختند . آنها مخصوصاً "طوفان مسخره ای در فنجان آب — بنام مبارزه با فساد — براه انداختند تا خود را از شرطوفان آشکارشدن حقیقت — یعنی آشکارشدن دزدیها و رشوه گیری خود آنها — برکنار بدارند .

در جریان همین جاروجنجال مسخره است که سیاست معروف و قدیمی سپرلا سازی شاه هم بمیان میآید . چند تن از مقامات دولتی را بعنوان فاسد و رشوه گیر معرفی میکنند تا دزد اصلی ودزدان تر دست واقعی بتوانند خودشان را در ریشتهای

قبیل تبلیغات احمقانه مخفی کنند .

مطبوعات شاه خائن مینویسند : این فلان معاون وزیر بود هاست که ۲۰۰ میلیون تومان رشوه گرفته است و یا فلان رؤسای نیروی دریائی بودند که قریب ۱۰۰ میلیون تومان سوءاستفاده کردند . اما مردم ما بخوبی میدانند که در مملکتی که کوچکترین کارها باید با نظر دیکتاتور اعظم ! شاه خائن صورت بگیرد ، احمقانه است اگر تصور شود فلان معاون وزیر به آسانی و به تنهائی ۲۰۰ میلیون تومان را بلعیده است ، رئیس نیروی دریائی ۱۰۰ میلیون تومان را خورد هاست و شاه و دربار و ارود ستهی فاسد او در این میان هیچ اطلاعی نداشته اند ! ؟ آری ، این بسیار مسخره است که در ایران معاون وزیری ۲۰۰ میلیون تومان رشوه بگیرد اما جناب وزیر ! مربوطه اصلاً "روحش نیز خردار نشود ! جالب توجه تشریح از همه ، اظهارات ارتشبد مزدور "طوفانیان" قامیل نزد یک خود شاه است . او که مردم ما را مانند خود شن و آری با بان دزد و فاسدش احمق تصور کرده داستانی میسازد در باره ی ۳ برادر ایرانی الاصل که در آمریکا میلیونها دلار بحساب ایران پول گرفته اند و از یکطرف سر کمپانیهای بزرگ آمریکائی و از طرف دیگر سر باند شاه و دارو ستهی دزد او را کلاه گذاشته اند ، او سعی میکند با سرهم کردن این داستان خیالی ، جریان رشوه خواری شاه و دلالی خودش را در این میان لا پوشائی کند . اما علیرغم همه ی این افسانه سرائیهای احمقانه جعلاتی که او در ابتدای مصاحبه اش با

(*) — ارتشبد مزدور "طوفانیان" شوهر خواهر ارتشبد معدوم

خاتمی و خاتمی شوهر فاطمه — خواهر شاه — است .

روزنامه‌نگاران، در توجیه درو کردن این قضایا، می‌گویند بدون اینکه خودشان بخواهند، چیزهای زیادی را روشن می‌کنند. او می‌گوید: اطلاعاتی که در روزنامه‌ها در مورد فعالیت‌های غیرقانونی کمپانی‌ها برای فروش غرآورد بهای خود فاش شد، و این مسئله به تک‌گروهی آمریکا هم کشانده شده است. . . ."

آری، همین اطلاعات منتشر شد در روزنامه‌های غربی و همچنین فاش شدن فساد و رشوه‌خواری شعاودارودسته‌ی بانده دزدان شاه‌خائن در تک‌گروهی آمریکا است که اکنون شمارا مجبور کرده برای لاپوشانی کردن آن به سرهم‌بندی کردن داستان‌های خیالی در باره‌ی برادران لابی و . . . اغفال ایران و . . . پیردازیدن آری، بخاطر آشکار شدن افتضاح دزدی و رشوه‌خواری دارودسته شاه‌خائن در تمام ممالک خارجه و مطبوعات آزاد خارجه است که اکنون دولت شاه به چنین تبلیغات کرکشتند، ای تحت عنوان "مبارزه با فساد دست زده است."

جالب توجه‌تر از همه‌ی اینها اینست که در همین جنگ زرگری که دولت شاه و طوفانیان مابین واسطه‌ی شناخته‌شده‌ی شاه و کمپانی‌ها - با این کمپانی‌ها پرا، انداخته‌اند باز هم از ترس آنکه مبادا سوءنقاهی بین شاه و اربابان آمریکایش در همین شرکتها پیش بیاید، سعی می‌کنند با ایما و اشاره ماهیت اصلی قضیه را باین شرکتها بفهمانند.

طوفانیان مزدور در همین مصاحبه‌ی خود از روزنامه‌ی کیپ‌مان ۲۵ بهمن ماه می‌گوید: "شاهنشاه تأکید فرموده‌اند که ما خواستار ورشکستگی شرکت هواپیماسازی آمریکائی نیستیم. آیا؟" پرسیدند اینکد شاه پیشاپیش برای شرکت‌های آمریکائی - که

تازه گوشه‌های از اعمال جنایتکارانه‌ی آنها فاش شده است - دلم می‌سوزاند برای چیست؟ این تأکید دلسوزانه چمنعنائی می‌دهد؟ شاه چندرا بطعای با این سرکنها د ارد و چگونه می‌خواهد جلوی ورشکستگی آنها را بگیرد؟ آیا شاه مزد ورمیلیارد هاتومان از شره‌ی عرق و خون ملت ما را بدجیب خودش و همین اربابان آمریکائیش نریخته است؟ آیا فقط د رعرض همین یکسال اخیریش از ۰ د میلیارد تسومومان / ۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ د تومان / شره‌ی کار و زحمت خلق ما را بعنوان خرید اسلحه بدجیب این خونخواران بین المللی نریخته است؟ آیا هم‌اینها برای خوش خدمتی بداریاب و پرکردن جیب د ارد سته‌ی د زد خودش کافی نیست کد باز هم د رصد د دلسوزی برای آنها بر آمد ما است؟

ارتشبد مزد و رطوفانیان - این نوکر سرسپرد هی آمریکائیهاییان محرم رازهای پنهان شاه و واسطه‌معروف معاملات او با کمپانیهای صنایع نظامی آمریکا - چگونه می‌خواهد بایک مصاحبه‌ی احمقانه ویر از روع و تناقض، حقیقت سالها خیانت د زد ی ورشوه‌گیری خود و اربابانش - شاه و کمپانیهای آمریکائی - را لا پوشانی کند؟ آری، توده‌های زحمتکش خلق ما - کارگران ما د هقانان مسا، توده‌های شهری و روستائی ما - د زد نیستند، فاسد نیستند، آنها با ریختن خون و عرق خویش لقمه‌نانی بدست می‌آورند و شرافتمندانه زندگی میکنند، د زد ان، مفسدین و تبهکاران واقعی، طبقه‌ی حاکمه‌ی مزد وروانند سرمایه‌داران غارتگر ایران هستند، د زد اصلی و سر د ستند زد ان، شاه‌خائن و د ر بار کتیف پهلوی است.

آری، اینها هستند د زد ان و تبهکاران واقعی و اصلی :

شاه جنایتکار، د ر بار فاسد پهلوی

و هزار فامیل وابسته

اصول و شیوه‌های

مخفی کاری

در شماره‌ی گذشتہ چند تجرید و رهنمود در باره‌ی نگهداری، حمل و نقل و رد و بدل کردن مدارک و نشریات سیاسی بیان کردیم. اما با اشتغال لازم است که ضمن تأکید هر چه بیشتر بر رفتارهای احزاب دقیق این رهنمودها، یکبار دیگر بعضی از این اصول و شیوه‌ها را مجدداً و با توضیح بیشتر درین شماره تکرار کنیم.

رفقا! مرور کوتاهی در تاریخچه‌ی ضربات و لطماتی که در ضمن بر جنبه‌ی انقلابی چند سال اخیر خلق ما، وارد آورد داشت و همچنین علل تاکنیکی ضرباتی که منجر به دستگیری یا شهادت رفقای انقلابی و رزمندگان مبارز راه خلق شد، ناسبت نشان میدهد که رعایت شیوه‌های امنیتی در کار سیاسی و اصولاً آشنائی بسا شیوه‌های مبارزه با پلیس سیاسی در امری چه اهمیت بزرگی در شکست یا پیروزی یا در اقدام انقلابی و یا حتی یک مرحله‌ی کوتاه مبارزه داشته است.

البتة پلیس ضد خلقی شاه خود را شکست ناپذیر، قوی و دارای قدرتی افسانهای وانمود میکند . سازمان امنیت برای منافع سرمایه داران ؛ چنین تبلیغ میکند که گویا " پلیس همه جا هست " ؛ اما درحالیکه چنین نیست و این فقط شایعاتی است که بوسیله‌ی جاسوسان ، مزدوران و عمالان دولت شاه جنایتکار پراکنند میشود تا با ایجاد ترس و وحشت در میان مردم ، آنان را نسبت به هم بی اعتماد کند و جلوی وحدت خلق را برای مبارزه با امپریالیسم و دولت شاه مزدور بگیرد . آنچه رژیم در این مورد شایع میکند دروغی بیش نیست ؛ پلیس جایی وجود ندارد و می تواند به ماضی به بزند که مادر آنجا نسبت به اصول کار مخفی غافل و بی توجه باشیم . اگر ما اصول و شیوه های مخفی کاری را متعهدانه بکارگیریم ، آنگاه خواهیم دید که چگونه دشمن - دولت شاه - مزدور و امپریالیستهای جنایتکار - در مقابل خط مشی سیاسی - انقلابی صحیح ما زبون و بیچاره خواهد ماند . آنگاه خواهیم دید که سازمان امنیت شاه جنایتکار - علیرغم ادعایش - چقدر عاجز و بیچاره است - وجود و بقای سازمانهای انقلابی مسلح ، خود بهترین شاهد این حقیقت است که اگر ما هوشیار باشیم و متعهدانه اصول مخفی کاری را رعایت کنیم (در صورت مسلح بودن به بینش علمی و خط مشی صحیح سیاسی) میتوانیم به حیات رشد یافته خود ، بمبارزه خود علیه دولت شاه جنایتکار ادامه دهیم . برعکس ضربه های که همین سازمانهای انقلابی مسلح میخورند بخوبی پس ، نشان میدهد که دشمن فقط باعتبار ضعف و عدم هوشیاری انقلابی ، میتواند به آنها ضربه بزند . بعبارت دیگر دشمن نه بد اعتبار قدرت و توانائی ذاتی و مطلق خود بلکه تنها بد اعتبار ضعفها ،

بید قتی‌ها و کارهای پراکند و بی حساب و کتاب ما است که —
 میتواند بر ما ضربه وارد کند .

مبارزه‌ی خلقهای کبیر و تنام ، کامبوج و لائوس — که با
 مقاومت قهرمانانه و هوشیارانه‌ی خود توانستند پوزهی کبیر
 امپریالیسم جنایتکار آمریکا را به خاک بمالند — به ما میآموزد که
 مبارزه با دشمنی این چنین جنایتکار و خطرناک ، فقط با فد اکاری ،
 با اتحاد و همبستگی و با هوشیاری انقلابی است که میتواند امید
 پیروزی داشته باشد . خلقهای قهرمان و تنام ، کامبوج و لائوس
 میآموزند که خلق ما و همهٔ خلقهای تحت ستم جهان میتوانند و باید
 بر امپریالیسم پیروز گردند .

* * *

اینک با توضیح مجدد و بیشتر اصول و شیوه‌های از کار مخفی
 سیاسی که در شماره‌ی قبل آوردیم ، بحث " اصول و شیوه‌های مخفی
 کاری " را ادامه میدهم .

۱ — پلیس نسبت به چه چیزهایی حساس و مشکوک میگردد و
 آنرا مدارک با اصطلاح جرمی علیه افراد به حساب میآورد ؟
 هر چیزی اعم از کتاب ، نوشته ، خاطرات و یادداشت ، ابزار و
 یا هر وسیله‌ی دیگری که نشاندهنده‌ی افکار و تمایلات ضد رژیم
 صاحب آن باشد از نظر پلیس مدارک به حساب میآید .
 بطور خلاصه مدارک سیاسی شامل مواد زیر است :

الف — بدلیل بیشترین ضرباتی که مبارزه‌ی مسلحانه‌ی خلق
 توانسته بر رژیم ضد خلقی شاه خائن وارد کند ، بیشترین حساسیت
 پلیس نیز نسبت به سازمانها و گروههایی است که اسلحه را علیه
 دولت شاه جنایتکار وار با بان امپریالیستیش بکار گرفته‌اند .

بنا بر این ابزار و وسائلی از قبیل اسلحه، بمب، مدار مواد منفجره و... و حتی نوشته‌های از قبیل دستور ساختن مواد منفجره، بمب و... و بطور کلی هرگونه مدارکی که نشاندهند هی شرکت در فعالیت سیاسی - نظامی باشد، حساسیت فوق العاده‌ی پلیس را برمی‌انگیزد. در همین رابطه کتاب جزوه، نوشته و اعلامیه‌های سازمانهای مسلح پیشتر نیز پلیس را بشدت حساس می‌کند. پلیس باید اکردن این مدارک با این تصور که دارند هی این مدارک یا خودشان در فعالیت سیاسی - نظامی شرکت مستقیم دارند و یا با سازمانها و گروههای مسلح تماس دارند، سعی میکنند با دستگیری این مبارزین و تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار دادن آنان بداعضاء و امکانات این گروهها و سازمانها دست یافته و مانع از گسترش مبارزه‌ی خلق شود.

ب - مدارک مخفی سیاسی از آثار انقلابیون جهان، کتب و مدارک مارکسیستی و... و همچنین مدارکی از قبیل وسائل چاپی ماشین‌پلی‌کپی، پلی‌کپی دستی، مرکب چاپ و... و اعلامیه‌ها دستنویس و... که نشاندهند هی کار فعال سیاسی است نیز موجب حساسیت شدید پلیس میشود. چرا که پلیس وجود این نوع مدارک را در لیبی بر فعالیت یک گروه سیاسی مخفی تلقی کرده و با دست آوردن چنین سرنخ‌هایی سعی میکنند گروه مربوطه را بدام بیندازد.

ج - کتابهای داستان و آثار نویسندگان انقلابی و روشنفکران مترقی داخلی و خارجی که اغلب فروش آنها در بازار ممنوع است و جزء کتب مخفی و ممنوعه به حساب می‌آیند، نظیر کتابهای ماکسیم گورکی (مادر و...) بشردهستان ژنده پوش،

پاشنه‌ی آهنین، خرمگس و ...

د - نوارهای پرشده و ممنوعه نظیر اشعار و سرودهای انقلابی و همچنین عکس‌های انقلابیون بزرگ (نظیر مارکس، لنین، مائو، چه‌گوارا، هوشی‌مین و ...) و همچنین عکس‌های انقلابیون شهید ایرانی *

ه - بعضی از کتابهایی که آزادانه به فروش میرسند اما مطالعه‌ی آنها دلیلی بر سیاسی بودن فرد است، نظیر کتابهایی که بر جهان بینی علمی متکی است و یا کتابهای اقتصاد سیاسی (که رژیم بدلائلی اجازهی چاپ آنها را داده است) و همچنین بعضی از کتابهای آزاد ماکسیم گورکی و سعد بهرنگی و ...

۲ - شیوه‌های حفظ مدارك : (*)

د شماره‌ی قبل گفتیم که تنها شیوه‌ی صحیح حفظ مدارك سیاسی، نگهداری آنها در جاسازی‌های مطمئن است. ولی در برخورد با برخی از رفقائی که "قیام کارگر" بدستشان رسیده بود مشاهده کردیم که این اصل مهم در کار مخفی سیاسی را رعایت نمیکنند. این رفقانه تنها "قیام" را در جاسازی مطمئن حفظ نمیکنند بلکه آنرا در جاهای معمولی نظیر روی میز، داخل کمد، روی طاقچه و ... گذاشته‌بودند که دیگران بسادگی میتوانند بدان دسترسی پیدا کنند.

این شیوه‌ی حفظ مدارك و گذاشتن مدارك در جاهائی که در دسترس دیگران است به زودی افکار و تمایلات ضد رژیم ماسارا برای دیگران مشخص کرده و با انگشتنما کردن ما بعنوان يك فرد

(* - هر جا صحبت از مدارك میشود، منظور مدارك سیاسی است.

سیاسی امکان لورفتن ود ستگیری مارا زیاد میکند . بعلاوه مدتی است که پلیس جیره خوار شاه خائن — هر چند وقت یکبار — دست به منطقه گردیهای ناگهانی میزند . آنها در نیمه های شب و گاهی اوقات حتی در وسط روز بطور سرزده و ناگهانی به خانه ها ریخته و به بازرسی اشیاء منزل و بازرسی از اهالی خانه میپردازند . این امر با ضافه‌ی دستگیریهای اتفاقی — که گشتی های ساواک بعمل میآورند و بلافاصله بعد از مشکوک شدن به فرد ود ستگیری او خانه اش را نیز بازرسی میکنند — لازم میسازد که مدارک را در مواقع غیر لازم در جاسازی غیر قابل دسترسی نگهداری نمائیم تا بتوانیم از غافلگیری های شبانه و روزانه جلوگیری کرد و به کار سیاسی خود منظمآ ادامه دهیم .

در شماره ی قبل ، نحوه و چگونگی "جاسازی" را مفصلاً توضیح دادیم . تنها تأکید و تذکر چند نکته را ضروری میدانیم .
اول — رفق برای درست کردن جاسازی باید بابتکار خود شناختنی باشند و از جاسازیهائی استفاده نکنند که برای پلیس لاسو رفته نباشد .

در هر صورت یک جاسازی ابتدائی برای نگهداری مدارک سیاسی ، مسلماً بهتر از گذاشتن مدارک در جلوی چشم ود دسترس همگان است .

دوم . مدارک شناسائی و اطلاعاتی نظیر کارتهای شناسائی (کارت کارخانه ، شناسنامه و گواهینامه و ...) ، عکس ، نسام و نام خانوادگی ، آدرس ، شماره ی تلفن ، گزارشهای نوشته شده از این قبیل ، ضمن ازجایا افراد ، کاغذ های مارک دار کارخانه و یا محلی خود را آنجا کار میگذرانند و ... از این بجز اینها باید با شناس

(لای کتاب و ۰۰۰) و همچنین نباید در جاسازی و در کنار مدارک نگهداری شوند . چون ممکن است جاسازی لورفته و خطری متوجه افراد مزبور یا خودتان شود . کلاً مدارک شناسائی باید جدا از مدارک سیاسی باشند تا در صورت گم شدن ، لورفتن و ۰۰۰ پلیس متوجه نشود که مدارک سیاسی متعلق به چه کسی بوده است .

نوم - اگر مجبور میشوید به دلایل نام رفیقی که با شما کار سیاسی مشترک میکنند و یا آدرس محلی که نباید بدست پلیس بیفتد و ۰۰۰ را بنویسید ، حتماً بصورت رمز و مستعار (غیر واقعی) بنویسید تا اگر آن اسامی ، آدرسها و ۰۰۰ بدست پلیس افتاد از آن نتواند به کسی یا جایی برسد .

۳ - چند تذکره مورد رد و بدل کردن مدارک و اخبار سیاسی ؛ در این زمینه هم نمونه‌هایی از عدم رعایت ضوابط امنیتی و اصول مخفی کاری مشاهده شد . که برخی از مشخص‌ترین نمونه‌ها را برای درس آموزی بیشتر در اینجا می‌آوریم .

الف - برخی از رفقای کارگر نشریه‌ی "قیام کارگر" را مستقیماً "ودست به دست رد و بدل کردن" نمودند .

رفقا ! اگر وقت کنیم که با چه دشمن خطرناک ، حيله‌گر و خونخواری رو برو هستیم ، اگر حساب کنیم که فردی که مستقیماً به او مدارک می‌دهیم در هر صورت دستگیری بوسیله‌ی پلیس جنایتکار چه شکجه‌های وحشیانه‌ای را باید تحمل کند ، آنگاه متوجه خواهیم شد که رد و بدل کردن مستقیم و دست به دست مدارک سیاسی چه عواقب ناگواری ممکن است بدنبال داشته باشد .

اگر پلیس مدركی را که بطور مستقیم به فردی داد مایند ، از او بگیرد از هیچ جنایتی برای پیدا کردن کسی که مدارک را به او

مذکور دانهاست خود داری نخواهد کرد. او وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها و مکارانه‌ترین حیل‌ها را بکار میبرد تا فرد را وادار کند که رفیق همفکر و هم‌زیم خود را بدهد. در این شرایط احتمال اینکه شما لو بروید و ضرب بخورید کم نیست.

در این مورد و برای نشان دادن اهمیت قضیه بهتر است تجربه‌ی درس‌آموزی را ذکر کنیم.

فردی که جزوه‌ای از سازمان مجاهدین داشته‌اش سیر می‌گردد. پلیس وی را شکنجه می‌کند و از وی می‌خواهد که نام کسی را که جزوه را به او داده بگوید. او شکنجه‌ها را تحمل نکرده و فردی را که جزوه را به او داده بود لو می‌دهد. پلیس فرد دوم را دستگیر می‌کند و او نفر سوم را لو می‌دهد و... بهمین ترتیب تا بهمین فرد دستگیر می‌شود. موج دستگیری‌ها در همین جا متوقف شد. چرا؟ چون مدرك با رعایت شیوه‌های اصولی کار مخفی سیاسی و بطور غیر مستقیم (از طریق انداختن شبانه به خانهاش) بگه او داده شده بود.

چنانکه مشاهده می‌کنیم اگر همه‌ی این افراد ضوابط امنیتی و اصول مخفی کاری را رعایت می‌کردند دستگیری در حد همان فرد اول متوقف می‌شد.

نکته‌ای که در اینجا باید تذکر بدیم اینست که هر کدام از هشت نفر اول نیز می‌توانستند با گفتن اینکه "شب به خانهاش انداخته‌اند" و با تحمل شکنجه و ایستادن بر روی همین حرف، ضربه را به خودشان ختم کنند ولی همان‌طور که گفتیم شرطش این بود که وحشیانه‌ترین شکنجه‌های آریامه‌ری را برای لو ندادن رفقای همفکر و هم‌زیمشان تحمل کرده و ننگ ضربه زدن بگه

جنبش خلق را که بهر حال ضعف محسوب میشود بر خود شان
هموار نکنند *

بنا بر این میتوانیم نتیجه‌ی این بحث را بدین ترتیب خلاصه
کنیم :

هیچگاه نباید مدارک سیاسی مخفی را مستقیماً و بادست
خود به دیگران، حتی به دوستان و نزدیکان صمیمی و یکرنگ
خود بدیم *

بایستی برای هر کار خود تو جیه و محمل (*) مناسبی داشته
باشیم و روی آن با فشاری و مقاومت نمائیم *

اکنون باید پرسیم اگر مدارک را بهیچوجه نباید بطور مستقیم
به کسی داد پس شیوه‌های صحیح رد و بدل کردن مدارک سیاسی
چیست ؟

مدارک سیاسی (مثلاً "قیام کارگر") را میتوانیم بطور غیر مستقیم
و از راه‌های گوناگون به دست دیگران برسانیم * مثل انداختن
از دیوار خانه‌ی فرد مورد نظر، فرستادن به دفتر منزلشان توسط
بچدی خرد سال یا فردی ناشناس، پست کردن، دادن به یکی
از افرادی که با وی نسبتی دارد ولی شمارانمیشناسد (البته در
پوشش مناسب مثلاً "در یک بسته‌ی گادوشی") و ... *

(*) - پاسخهای حساب شده و مناسبی که در جواب سئوالات
پلیس و بازجو برای رد کم کردن و فریب آنها میگوئیم، اصطلاحاً
"محمل" نامیده میشود * در واقع "محمل" یعنی: پیش‌بینی قبلی
سئوالی که بازجو از ما میکند و آماده کردن جواب
آن از قبل *

البته باید توجه داشته باشیم که فقط در یک صورت میتوانیم مدارک را بطور مستقیم رد و بدل کنیم و آن در موقعی است که با فرد یا افرادی کار مشترک گروهی و تشکیلاتی سیاسی انجام میدهم .

ب - اگر میخواهید راجع به مطالب "قیام" یا کتابهای سیاسی دیگر با دوستان مطمئن خود صحبت کنید نباید منبع خبر خود را ذکر کنید، زیرا در این صورت آنها خواهند فهمید که "قیام" یا مدارک مورد نظر به دوستان رسیده است . برای نقل اخبار جنبش یا نقل خبرهایی که رژیم شاه جنایتکار را سوا میکند، میتوانی منابع مختلفی را ذکر کنید . مثلاً برای رد گم کردن میتوانی بگوئی آنها از آدیو (رادیو میهن پرستان یا رادیو ظفار) شنیده ام و یا فردی در فلانجا (مثلاً در تاکسی یا اتوبوس) نقل میکرد و . . .

همچنین برای افرادی که بطور غیر مستقیم "قیام" یا هر مدارک سیاسی مخفی دیگری میفرستید در باره ی مطالب آن با او صحبت نکنید چون در این صورت او با خواندن مدارک مورد نظر میفهمد که شما هم آنها را خوانده اید و حتی احتمال خواهد داد که خود شما آنها را برای او فرستاده اید .

ج - مشاهده شد که بعضی از رفقای کارگروقتی نشریه "قیام کارگر" به دوستان رسیده ، آنها در میان جمعی از افراد باز کرده و خوانده اند و یا اینکه "قیام" را به محل کار خود برده اند و در نتیجه با این کارها دیگران را از این مطلب که "قیام" بدوستان رسیده مطلع کرده اند . این کارها همانطور که گفتیم به دلیل مشخص کردن تعایلات ضد رژیم ما ، کار درستی نیست . رفقای کارگر اگر بستهای را که بدوستان میرسد - بدلیل بی خبر بودن از اینکه در داخل آن چه چیزی قرار دارد - پیش قدمی های باز میکنند ،

وقتی که فهمیدند محتوای بسته "قیام" یا هر مدرک سیاسی دیگری است باید طوری رفتار کنند که دیگران از آن چیزی نفهمند. مثلاً بگویند که تقویم، آلبوم و... است که فلان شرکت برای تبلیغ محصولاتی فرستاده و یا کتاب درسی است که همگامی ام فرستاده است و...

د - اگر موقع مطالعه یک کتاب سیاسی مخفی، اعضای خانواده و یا دیگران متوجه آن شده و سؤال کردند که چیست؟ جوابی ندهید که برایشان غیرعادی نباشد. مثلاً اگر در کتاب میخوانید نام یکی از کتابها و جزوه‌های درسی خود را بگویند. مثلاً کتاب فیزیک یا جزوه‌ی زبان و... برای اینکه بتوانید بد بترتیب کار خود را توجیه کنید باید کتاب سیاسی را در پوشش مناسبی بپوشانید مثلاً "آنها بوسیله‌ی روزنامه و... جلد کنید یا موقع استفاده آنرا از اخراج فتر و... گذشته مطالعه کنید."

ه - بازگو کردن مطالب و اخبار دست اول جنبش از "قیام کارگر" یا مدارک سیاسی مخفی دیگر در محافل عمومی و در میان افراد مختلف درست نیست. چرا که در این قبیل جاها احتمال کنترل پلیس وجود دارد. مثلاً اگر فرد مزدور و خود فروختی در آن جمع باشد از حرفهای شما متوجه میشود که "قیام کارگر" و یا فلان مدرک سیاسی بدست شما رسیده است. ولی در جمع‌های خصوصی و مطمئن (که به افراد آن اعتماد دارید) گفتن اخبار نشریه - بهمان ترتیبی که قبلاً ذکر کردیم - اشکال ندارد.

و - وقتی برای کسی مدرک میفرستید آنرا در پاکت‌هایی که مارک محل کارتان را ندارد نگذارید. چون ممکن است گیرند. از روی مارک روی پاکت - جایی را که در آن کار میکنند بفرستد و از این طریق

قیام کارگر ۱۸۰ —————
شمارا بشناسد . چون در این موارد حتی ممکن است خط روی پاکت
هم باعث شناخته شدن شما شود . بهتر است در موقع نوشتن
آدرس و . . . خط خودتان را هم عوض کنید .

ز — پلیس جنایتکار شاه و مزدوران جیره خوار کارفرما برای
پیدا کردن کارگران مبارز دست به هر کاری میزنند . از جمله
شیوه های آنها بازرسی بدنی کارگران در موقع ورود به کارخانه و یا
بازرسی جالباسی ها و کمد ها و . . . است (*) نمونه های زیادی
دید ه شد که مدارک سیاسی در کمد های لباس کارگران مبارز
توسط ساواکیها و یا مزدوران کارفرما کشف شده و بدنیال آن
کارگران مزبور دستگیر شده اند . باین دلیل حتی الامکان باید از
بردن مدارک سیاسی به کارخانه خودداری کنید .

گاهی از اوقات مجبورید مدارک سیاسی را همراه خود به
کارخانه ببرید . مثلا رفیق کارگری يك اعلامیه را که بدستش رسید
به کارخانه میبرد تا آنرا به طریق (گذاشتن در دستشویی و . . .)
در اختیار سایر کارگران قرار دهد و . . . در اینگونه موارد رعایت
نکات زیر ضروری است .

اولاً "قیام" ، "اعلامیه" و یا هر مدارک سیاسی دیگر را باید
در پوشش های مناسب به کارخانه ببرید تا در موقع بازرسی

(*) — این یکی از شیوه های عمومی پلیس است که در همه جا از آن
استفاده میکنند و تاکنون نتایج زیادی هم — بر اثر غفلت
و بی توجهی مبارزین — از آن گرفته است . مثلا "پلیس از طریق
بازرسی کمد های دانشجویان در دانشگاهها تاکنون
توانسته دانشجویان مبارز زیادی را شناخته و دستگیر نماید .

بدنی جلوی درکارخانه، کشف نشود.

ثانیاً "مدرك" سیاسی را نباید در کمد لباس خود و جیب لباس کارتتان و... گذارید. مدرك را باید در محلی بگذارید که اگر احیاناً کشف شد خطری متوجه شما نشود. این محل قبلاً باید شناسائی و تعیین شده باشد تا وقتی مدرك را به کارخانه بردید بلافاصله آنرا در این محل بگذارید.

ثالثاً در اولین فرصت باید قصدتان را از آوردن مدرك به کارخانه عدلی سازید مثلاً "اعلامیه را در دستشویی بگذارید یا بدیوار بچسبانید و..."

رفقای، کارگرا!

در حفظ بیشترین نیروهای خود و از بین بردن بیشترین نیروهای دشمن کوشید.

رفقای کارگر!

باما به آدرس "کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران" ،
مکاتبه کنید .

نظرات ، انتقادات و پیشنهادات خود را از
این طریق برای ما بفرستید .

ما را از اوضاع کارخانهای که در آن کار میکنید ،
از مبارزات خود و از جنایات دولت شاه خائن باخبر سازید .

آدرس کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران :

P O BOX 246 CRATER ADEN

PEOPLE'S DEMOCRATIC REPUBLIC

OF YEMEN

آدرسیانکی :

ACCOUNT NO 59397 NATIONAL

BANK OF YEMEN TOWAHI BRANCH

ADEN P.D.R.Y

* * *

توجه داشته باشید ، برای اینکه نامه های شما بدست
مزدوران ساواک نیفتد ، نباید آنرا مستقیماً "آدرس فوق پست
نمائید .

نامه های خود را برای یکر از دوستان ، آشنایان و ...
خود در خارج از کشور بفرستید و از آنها بخواهید که آن را
به آدرس فوق پست نمایند .

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com



از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

A PUBLICATION OF

Organisation of Mojahedeen of the People of Iran

MARCH 1976